

آینده روابط ایران و آذربایجان (پس از جنگ دوم قره‌باغ) با تاکید بر نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

حمید حاجی آقابزرگی^۱، محمدسعید علمداری^۲

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

چکیده

روابط ایران و آذربایجان طی سه دهه گذشته تحت تاثیر عوامل مختلفی نظیر جنگ، انقلاب و تغییرات در موازنه‌ی قدرت، دچار تحولات زیادی شده است. زمینه‌هایی نظیر اشتراکات دینی و مذهبی، اشتراکات فرهنگی و تاریخی، مرزهای طولانی آبی و زمینی و احداث پروژه‌های سدسازی مشترک، بسترهای هم‌گرایی دو کشور را فراهم آورده است. در مقابل، روابط با آمریکا و رژیم صهیونیستی، پان‌ترکیسم، بحران قره‌باغ، حذف ایران از مسیر انتقال نفت آذربایجان به بازارهای جهانی و اقدام‌های تحریک‌آمیز علیه امنیت ملی ایران، موجب ایجاد تنش در روابط دو کشور شده است. هدف از این مطالعه، تحلیل آینده روابط ایران و آذربایجان با تاکید بر نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پس از جنگ دوم قره‌باغ است. بدین منظور، از روش سناریونویسی مبتنی بر عدم قطعیت‌های کلیدی (مدل شوارتز، ۱۹۹۱) استفاده شد که در مجموعه مطالعات آینده‌پژوهی قرار می‌گیرد. سناریوهای محتمل درباره آینده روابط ایران و آذربایجان عبارتند از: گسترش مناسبات ایران و آذربایجان، گشایش کریدور زنگه‌زور، حذف ایران از ترانزیت انرژی آذربایجان، دامن زدن به اقدامات تجزیه طلبانه آذربایجان در استان‌های مرزی ایران، تشدید اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و اقدامات امنیتی-جاسوسی آذربایجان علیه ایران. در بررسی این سناریوها، مواضع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بررسی شد.

واژگان کلیدی: بازیگران منطقه، پان‌ترکیسم، جنگ دوم قره‌باغ، سناریو نویسی.

^۱. نخبه پژوهشی پژوهشکده آمار دانشگاه عالی دفاع ملی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، h_hajiaghazorgi@atu.ac.ir

^۲. پژوهش‌گر گروه مدل‌سازی ریاضی و شبیه‌سازی بازی‌های راهبردی، پژوهشکده آمار دانشگاه عالی دفاع ملی،

m.s.alamdari69@gmail.com

مقدمه

در قرن گذشته، شوروی یک سوی نظام دوقطبی جهان را تشکیل می‌داد و تاثیر تعیین‌کننده‌ای در ساختار نظام بین‌الملل، تعارضات و تخصیصات ایدئولوژیکی، همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، فراز و فرودهای رژیم‌های سیاسی، حیطه‌های امنیتی کشورهای همسایه و تعیین مرزهای سیاسی داشت. با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی و ظهور منطقه قفقاز جنوبی، توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در صدد یافتن عرصه‌ای جدید برای همکاری، رقابت و تنازع برای بهره‌برداری از جذابیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر منطقه بودند، به منطقه قفقاز جنوبی معطوف شد (کامران و همکاران، ۱۳۹۰).

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه برخی از کشورهای این منطقه^۱، با فرصت‌ها و تهدیداتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی از جمله خلاء یک قدرت واحد، بحران‌های مختلف ناشی از دولت‌های منطقه، پیوندهای فرهنگی و تمدنی مشترک مواجه شد. از سوی دیگر، آذربایجان و ارمنستان در منطقه قفقاز جنوبی به دلیل نیاز به پشتیبانی نظامی-امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و توسعه‌ای، بهره‌گیری از توانایی‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را مفید تلقی نمودند. لذا بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه و روسیه و بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر رژیم صهیونیستی، بسته به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود تمایلی جدی برای حضور در منطقه قفقاز جنوبی از خود نشان دادند. گسترش نفوذ اسرائیل و در مراتب بالاتر آمریکا و برخی هم‌پیمانان غربی آن که روابط خصمانه با ایران دارند، به‌منزله کاهش نفوذ هویتی-ایدئولوژیکی ایران در پیگیری منافع ملی است و پیامدهای سیاسی و امنیتی جدی را به دنبال دارد.

^۱ از طریق خشکی با آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان و از طریق مرزهای آبی با آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه.

۱- کلیات

۱-۱- بیان مسئله

به دلیل پیوندهای تاریخی، فرهنگی، قومی و مذهبی بین ملت ایران و آذربایجان به نظر می‌رسد آذربایجان یک متحد استراتژیک برای ایران باشد، اما تحرکات اخیر آذربایجان گویای این است که آذربایجان به رقیب سیاسی و ایدئولوژیکی برای ایران مبدل شده است. همزمان با روند شتابان تغییرات در موازنه قوا و معادلات منطقه، دولت آذربایجان هم‌سو با برخی بازیگران از جمله ترکیه، شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای غربی و اسرائیل، به شیوه‌ای زیرکانه درصدد کاستن میزان نفوذ و قدرت مانور منطقه‌ای ایران است تا ترکیه و اسرائیل نقش پررنگ‌تری را در تحولات منطقه ایفا کنند. با توجه به درک صحیح از شرایط حال حاضر دو کشور، تحولات منطقه و همچنین تنش‌های موجود، بررسی سناریوهای پیش روی روابط ایران و آذربایجان و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر شکل‌دهی روابط، مساله اصلی این تحقیق است.

۱-۲- اهداف تحقیق

تحلیل آینده روابط ایران و آذربایجان با تاکید بر نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روابط بین دو کشور پس از جنگ دوم قره‌باغ.

۱-۳- پرسش‌های تحقیق

- چه سناریوهایی پیش روی روابط ایران و آذربایجان قرار دارد؟
- بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تاثیرگذار بر روابط ایران و آذربایجان کدامند؟
- موضع‌گیری این بازیگران در آینده روابط ایران و آذربایجان چگونه است؟

۱-۴- روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد آینده‌پژوهی به تحلیل آینده روابط ایران و آذربایجان با تاکید بر نقش بازیگران منطقه و فرامنطقه در روابط بین دو کشور پرداخته است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش اسنادی و از نظر ماهیت تحلیلی از نوع کیفی است.

۱-۵- پیشینه تحقیق

ایمان‌زاده (۲۰۲۲) در پایان‌نامه خود به تحلیل ابعاد مختلف قدرت نرم ایران (اعم از مذهبی و غیرمذهبی) در آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰)، با استفاده از مصاحبه تخصصی و تحلیل محتوا پرداخت. وی استفاده از ابزار دین و مذهب را به- عنوان ابزار اصلی قدرت نرم ایران در آذربایجان بررسی کرد.

حسنوی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به شناسایی پیشران‌های موثر بر آینده روابط امنیتی ایران با آذربایجان با رویکرد آینده‌پژوهی پرداختند. با استفاده از نظر خبرگان، پیشران‌های کلیدی موثر بر آینده روابط امنیتی ایران و آذربایجان شناخته شد که عبارتند از؛ اخذ حمایت نظامی و خرید تجهیزات نظامی از اسرائیل، نزدیک‌تر شدن روابط آذربایجان با روسیه، افزایش تعاملات و تاثیرگذاری آمریکا و روسیه و چین بر آذربایجان، محور مقاومت، فاصله گرفتن آذربایجان از آمریکا، مناقشه قره‌باغ.

محمدی و شفیعی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به تاثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی ایران طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷م پرداختند. به‌طور کلی، نبود عمق استراتژیک آذربایجان که باعث آسیب‌پذیری در تهدیدات خارجی شده، جمعیت کم که موجب سلب پشتوانه‌ای محکم برای تشکیل حکومتی قدرتمند شده و قدرت نظامی کم که موجب ناکارآمدی نیروی انسانی و ضعف در سخت‌افزار و زیرساخت‌های نظامی شده، از جمله عوامل ضعف مبانی قدرت آذربایجان بیان شده است.

حسین پور (۱۳۹۹)، شهیدی و کروچ (۱۳۹۸)، پوراحمدی و پدین (۱۳۹۷)، عباسی و موسوی (۱۳۹۲) و موسوی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ایران و آذربایجان پرداختند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد وجود ظرفیت‌های مناسب اقتصادی، پیوستگی و مجاورت جغرافیایی، برخورداری از پیوندهای تاریخی، فرهنگی، قومی، مذهبی و اجتماعی، محرک‌هایی برای گسترش روابط دو طرف هستند. در مقابل، موانعی نظیر تفاوت در ماهیت حکومت‌ها و جهت-

گیری‌های سیاست خارجی متفاوت، تداوم اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، تضاد منافع در بهره‌برداری از رود ارس، نادیده گرفتن ایران از مسیرهای انتقال انرژی آذربایجان به بازارهای بین‌المللی، بحران قره‌باغ، روابط آذربایجان با آمریکا و اسرائیل و نفوذ آن‌ها بر سیاست‌گذاری‌های آذربایجان، همکاری آذربایجان با ناتو، تعارضات ایدئولوژیک، اقدام‌های تحرک‌آمیز علیه ایران از جمله اندیشه ایجاد آذربایجان واحد از سوی جمهوری آذربایجان، منجر به تنش در روابط دو کشور شده است.

کولایی و اصولی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی عواملی که از سال ۱۹۹۵ سبب امنیتی شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان شده‌اند، پرداختند. به‌طور کلی، وجود عوامل هویت‌بخش گوناگون شامل عوامل مادی، ارزشی و هنجاری، نظام اسلامی در ایران و در مقابل نظام غیردینی جمهوری آذربایجان، موجب شکل‌دهی جهت‌گیری متضاد دو کشور نسبت به هم و امنیتی شدن روابط آن‌ها از سال ۱۹۹۵ شده است.

عباسی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای درصدد شناخت تاثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آذربایجان بر روابط دوجانبه با ایران به شیوه تحلیل محتوا برآمدند. قابلیت‌های ژئوپلیتیکی آذربایجان؛ معادن غنی نفت و گاز، برخورداری از موقعیت ساحلی، همسایگی با ایران و روسیه، استفاده از گروه‌های تجزیه‌طلب در ایران، نفوذ در مردم مرزنشین ایران از طریق جنگ نرم، برخورداری از سواحل محدب در دریای خزر، اتحاد مبتنی بر ملیت با ترکیه، روابط فزاینده با اسرائیل و آمریکا و تلاش برای عضویت در ناتو است. در مقابل چالش‌های آذربایجان که باعث آسیب‌پذیری این کشور شده؛ تنگنای ژئوپلیتیکی آذربایجان به دلیل بسته بودن سرزمین و محصور بودن در خشکی، دو تکه بودن سرزمین، وابستگی به ایران در تامین نیازهای نخجوان، وسعت کم سرزمینی، اسلام‌ستیزی و سکولار بودن حکومت در یک کشور شیعی، استمرار تقابل با ارمنستان، تنش با برخی همسایگان، خفقان شدید امنیتی در فضای سیاسی داخلی، حضور جنبش جدایی طلب ارامنه قره‌باغ و رواج فساد علنی مقامات حکومتی است.

به‌طور کلی، نتایج حاصل از مطالعه پیشینه تحقیق در جدول (۱) خلاصه شده است:

جدول (۱). ظرفیت‌ها و چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان

ظرفیت‌های تعامل	چالش‌ها و تنش‌ها
- پیوندهای تاریخی، فرهنگی، قومی، مذهبی و اجتماعی	- روابط فزاینده آذربایجان با آمریکا و اسرائیل و تاثیرپذیری از آنها
- وجود ظرفیت‌های مناسب اقتصادی در هر دو کشور	- اخذ حمایت نظامی و خرید تجهیزات از اسرائیل
- پیوستگی و مجاورت اقتصادی	- تلاش آذربایجان برای عضویت در ناتو
- قابلیت‌های ژئوپلیتیکی آذربایجان	- تفاوت در ماهیت حکومت‌ها
- معادن غنی نفت و گاز دو کشور	- سیاست خارجی متفاوت در دو کشور
- برخورداری از موقعیت ساحلی دو کشور	- تعارضات ایدئولوژیک
- همسایگی آذربایجان با روسیه	- اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر
- برخورداری آذربایجان از سواحل محدب در دریای خزر	- تضاد منافع در بهره‌برداری از رود ارس
- نقش میانجی‌گرانه ایران در حل بحران آذربایجان با ارمنستان	- نادیده گرفتن ایران از مسیرهای انتقال انرژی آذربایجان
- نیاز جمهوری آذربایجان به ایران برای ارتباط با نخجوان	- اقدام‌های تحریک آمیز علیه ایران
	- نفوذ در مرز نشینان ایران از طریق گروه‌های تجزیه‌طلب
	- محور مقاومت
	- مناقشه قره‌باغ
	- اتحاد مبتنی بر ملیت با ترکیه

۱-۶- اهمیت و ضرورت

سناریوها ممکن است قبل از بروز یک وضعیت یا بعد از بروز یک وضعیت (بر پایه رخدادهای جدید) نوشته شوند. برای نمونه نویسنده‌ای که پیش از مناقشه قره‌باغ سناریوهایی درباره آینده آذربایجان نوشته است، نسبت به نویسنده دیگری که پس از حمله به قره‌باغ درباره آینده آذربایجان سناریو می‌نویسد، دیدگاه متفاوتی دارد. زیرا نویسنده اول با استناد به گذشته به مساله نگاه کرده، ولی نویسنده دوم، به شرایط زمان حال توجه می‌کند. مرور پیشینه نشان می‌دهد که تحقیقات داخلی انجام‌شده درباره روابط ایران و آذربایجان، پیش از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) نگارش شده‌اند. همچنین این مقالات، وضع موجود را گزارش کرده‌اند و آینده روابط ایران و آذربایجان را ترسیم نکرده‌اند. بنابراین، انجام پژوهش حاضر از حیث موضوع و هدف ضرورت می‌یابد.

۲- ادبیات تحقیق

آینده‌پژوهی «علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا» است. آینده احتمالاً از در هم‌کنش چهار مؤلفه پدید می‌آید؛ «رویدادها، روندها، تصویرها و اقدام‌ها» (تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۱۵). واژه «روند»، شناخته‌شده‌ترین واژه حوزه آینده‌پژوهی است. در بیشتر موارد، مفهوم روند در مقابل مفهوم رویداد است، زیرا روندها بر پیوستگی‌های تاریخی و رویدادها برگسستگی‌های تاریخی تأکید می‌کنند. در بسیاری از روش‌ها، مجموعه‌ی این دو به صورت هم‌زمان استفاده می‌شوند (کارگر، ۱۳۹۴: ۳۷).

روش سناریونویسی به‌عنوان یکی از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در علوم سیاسی و مطالعات راهبردی، ابزاری برای درک پیچیدگی تحولات محیطی در شرایط عدم قطعیت است (شوارتز، ۱۹۹۱). در روش‌های سناریونویسی به جای پیش‌بینی یک آینده قطعی، تلاش می‌شود چند آینده محتمل تعیین شود. بدین ترتیب، سناریو عرض وسیعی از احتمالات را پوشش می‌دهد و آینده وسیع‌تری را در اختیار قرار می‌دهد. سناریوها، گاهی براساس الگوی «اگر چنین شود، آن‌گاه چنان می‌شود» نوشته می‌شوند

(خسروی و یزدانی، ۱۳۹۸). سناریوسازی، شبیه‌سازی نیست؛ شبیه‌سازی ترکیب واقعیت‌ها برای ترسیم آینده است ولی سناریوسازی ترسیم این است که یک‌سیستم چگونه با امکانات آینده عمل می‌کند.

در این مطالعه از مدل سناریونویسی مبتنی بر عدم قطعیت‌های کلیدی توسط پیترو شوارتز (۱۹۹۱)، برای تحلیل مسیرهای محتمل بین ایران و جمهوری آذربایجان استفاده شده است. زیرا تنوع، پیچیدگی و سرعت تحولات منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، شرایط عدم قطعیت را ایجاد کرده است.

۳- منطقه قفقاز جنوبی

منطقه قفقاز جنوبی از بازیگرانی تشکیل شده که به شدت نیازمند تعامل و همکاری با بازیگران فرامنطقه‌ای هستند. سه کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان، با توجه به ظرفیت‌های بالقوه‌ی ژئواکونومیکی، منابع انرژی و قرار داشتن در حلقه اتصال خاورمیانه به اروپا، به مثابه یک زیرسیستم امنیتی مؤثر در نظام بین‌الملل مطرح هستند. این موقعیت موجب شده تا بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه، ایران و روسیه و بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، اسرائیل و چین، ایجاد همگرایی بین خود و سه کشور گرجستان، ارمنستان و آذربایجان را با توجه به مقوله‌های هویتی، هنجاری و سیاسی خود، یک بازی برد-برد (با جمع غیرصفر) ارزیابی می‌کنند (کامران و همکاران، ۱۳۹۰). از آنجایی که مسیر ترانزیت انرژی آسیای مرکزی و دریای خزر به اروپا از قفقاز عبور می‌کند، بازی بر سر مسیر انتقال انرژی بین دو محور شمال-جنوب (ایران، روسیه و ارمنستان) و محور شرق-غرب (آذربایجان، گرجستان، ترکیه و آمریکا) شکل گرفته است. از سوی دیگر، این منطقه مملو از مناقشات قومی، نژادی و مذهبی^۱، بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برجای مانده از شوروی سابق، وجود دولت‌های

^۱ بیش از ۲۴ قوم، ۵۰ زبان و سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت در این منطقه سکونت دارند.

ناکارآمد، تعارض منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، قراردادهای مبهم نظیر رژیم حقوقی دریای خزر، بحران چین، تروریسم و مواد مخدر است که سبب پیچیدگی‌های امنیتی و ابهام در ثبات منطقه شده است. از این‌رو، انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی در منطقه است و بازیگران استراتژی‌های خود را نسبت به این دو مقوله به کار می‌برند.

۳-۱- جایگاه ایران

ایران با داشتن مرزهای مشترک با ۱۵ کشور با هدف تأمین امنیت و موقعیت راهبردی خود سیاست خارجی انعطاف‌پذیر و فعال دارد و تلاش می‌کند تا با کشورهای همسایه روابط دوستانه داشته باشد. در این بین، آذربایجان به‌عنوان بزرگترین کشور قفقاز جنوبی، همواره نقطه اصلی نگاه ایران بوده است (حسنوی و همکاران، ۱۴۰۱).

از سوی دیگر، منطقه قفقاز جنوبی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم جزء سرزمین پهناور ایران بوده است. از قرن شانزدهم و سپس از قرن هجدهم، مناطق پهناوری در آسیای مرکزی و قفقاز به تدریج از نفوذ ایران خارج و در تصرف روسیه درآمد. از این‌رو ایران نقش تاریخی خود را در منطقه فراموش نکرده است. این جمهوری‌ها از زمان جدایی از سرزمین مادری (ایران)، در حوزه اقتدار روسیه تزاری و سپس اتحاد شوروی قرار داشتند و با فروپاشی شوروی، به کشورهای مستقل تبدیل شدند. جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد و سیاست خارجی خود را در مسیر همگرایی به کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه و اسرائیل قرار داد (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲).

۳-۲- جایگاه آذربایجان

جمهوری آذربایجان، با ۱۰/۴ میلیون نفر (در سال ۲۰۲۲)، پرجمعیت‌ترین کشور منطقه قفقاز جنوبی و با تولید ناخالص داخلی ۷۸/۷ میلیارد دلار (در سال ۲۰۲۲) و درآمد سرانه‌ای معادل ۷۷۶۲ دلار^۱، توانمندترین جمهوری قفقاز جنوبی است

^۱ همین شاخص برای ایران ۴۶۷۰، گرجستان ۶۶۷۴، ارمنستان ۷۰۱۸ و روسیه ۱۵۲۷۰ دلار بوده است.

(امیراحمدیان، ۱۴۰۳). مساحت جمهوری آذربایجان ۸۶ هزار کیلومتر مربع و طول مرزهای آن ۲۴۸۹ کیلومتر است که با ۵ کشور روسیه، گرجستان، ارمنستان، ایران و ترکیه مرز مشترک دارد (امیر احمدیان، ۱۳۶۷: ۵۸). جمهوری آذربایجان همسایه شمال غربی ایران با ۷۹۷ کیلومتر مرز مشترک است که با استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی همجوار است. این کشور در نقطه تلاقی قاره‌های آسیا و اروپا واقع شده و ارتباط روسیه را با ایران (خلیج فارس و دریای عمان) و از طریق ایران، با آب‌های جهان فراهم می‌سازد (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲).

۴- بسترهای هم‌گرایی در روابط ایران و آذربایجان

- ایران و آذربایجان فرصت‌های زیادی برای تعامل دارند که برخی از آن‌ها عبارتند از:
- **اشتراکات دینی و مذهبی:** مذهب، مهم‌ترین عنصر پیوند ایران و آذربایجان است. اگرچه مذهب تشیع یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش شیعیان منطقه به ایران و بازوی اعمال قدرت نرم ایران به‌شمار می‌رود، در مورد کشور آذربایجان به هم‌گرایی این دو کشور کمک نکرده است. زیرا بیشتر اختلافات دو کشور به ماهیت نظام‌های سیاسی و همچنین رقابت آن‌ها در چارچوب دسته‌بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برمی‌گردد. شکل‌گیری نظام سیاسی آذربایجان بر مبنای سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) است که با الگوی جمهوری اسلامی ایران (پیوند دین و سیاست) در تضاد است. لذا به‌رغم حضور اکثریت شیعه در دو کشور، ساختار سیاسی متفاوت روابط دو کشور را محدود کرده است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱).
 - **اشتراکات تاریخی و فرهنگی:** ایران و آذربایجان پیشینه تاریخی مشترک حدود هزار ساله دارند. شاعرانی نظیر نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی و اندیشمندانی نظیر لنکرانی، نخجوانی، نمونه‌هایی از تاریخ مشترک بین دو ملت است. زبان ترکی از دیگر پیوندهای فرهنگی مشترک بین دو ملت است (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲).

- **مرزهای طولانی زمینی و آبی:** ایران و آذربایجان دارای مرزهای طولانی زمینی و دریایی مشترک هستند که عمدتاً در سه استان گلستان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی امتداد دارد. بخش بزرگی از مرز بین دو کشور را رود ارس به-عنوان مرز طبیعی تشکیل می‌دهد. تاریخ، روند مثبت همکاری‌های فنی، اقتصادی و کشاورزی در بهره‌برداری از منابع آبی ارس را نشان می‌دهد و منازعه قابل توجهی بر سر مسائل این رود بین طرف‌ها اتفاق نیفتاده است (شهیدی و کروچ، ۱۳۹۸).
- **احداث سد و کریدورهای مشترک:** روابط اقتصادی ایران و آذربایجان به دوره شوروی، حدود ۵۰ سال قبل از احداث سد مشترک ارس و سد انحرافی میل-مغان بر رود ارس باز می‌گردد که صادرات گاز طبیعی ایران به آذربایجان، پایه همکاری بین دو کشور بوده است. در سال‌های اخیر نیز ایران و آذربایجان به دنبال همکاری در زمینه‌های اقتصادی، راه‌های ارتباطی و بهره‌برداری از تاسیسات سدهای مشترک روی رود ارس هستند. احداث کریدور ترانزیتی جاده‌ای و ریلی ارس به طول ۱۰۷ کیلومتر با ۲۱ دستگاه پل و ۵ پل بزرگ که ارتباط مستقیم بین نخجوان با خاک اصلی آذربایجان را از طریق ایران فراهم می‌کند، از برنامه‌های آتی دو کشور است (امیراحمدیان، ۱۴۰۳). افتتاح سد قیز قلعه با حضور روسای جمهور دو کشور نیز از مهم‌ترین رویدادهای بین دو کشور است که باعث تعمیق روابط خواهد شد.^۱

۵- بسترهای رقابت و تنش در روابط ایران و آذربایجان

با وجود بسترهای هم‌گرایی بین ایران و آذربایجان، روابط دو کشور با فراز و نشیب‌هایی طی دو دهه اخیر همراه بوده است و در شرایط خوبی قرار ندارد. برای نمونه، هم‌زبانی مردم جمهوری آذربایجان با بخشی از مردم ایران، به‌جای اثرگذاری

^۱ در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ با حضور رئیس‌جمهور وقت ایران، سید ابراهیم رئیسی افتتاح شد که در مسیر بازگشت، ایشان دچار سانحه هوایی شد و به همراه هیئت همراه، به درجه شهادت نائل آمدند.

مثبت در روابط دو کشور، تبدیل به ابزاری برای فعالیت جریان‌های تجزیه‌طلب در ایران شده است. همچنین عوامل تنش‌زایی نظیر توسعه روابط آذربایجان با ناتو، آمریکا و رژیم صهیونیستی از یک سو و توسعه روابط ایران با ارمنستان از سوی دیگر، روابط دو کشور را با محدودیت‌ها و موانعی مواجه کرده است. مسائل دیگری نظیر رژیم حقوقی دریای خزر و اختلافات پیرامون میزان سهم هر یک از دو کشور از دریا^۱، تفاوت در شکل‌گیری نظام‌های سیاسی دو کشور از جمله عوامل بازدارنده در توسعه روابط هستند. در ادامه مولفه‌های تاثیرگذار بر رقابت و تنش دو کشور بررسی شده‌اند.

۵-۱- رژیم حقوقی دریای خزر

مناقشه خزر مناقشه بر سر رژیم حقوقی دریای خزر بین پنج کشور دارای خط ساحلی آن است: آذربایجان، ایران، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان. در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، دو قرارداد بین ایران و شوروی به امضا رسید که طبق آن حق دسترسی آزادانه و استفاده برابر از منابع دریای خزر به دو کشور داده شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه دریای خزر (به ویژه آذربایجان و قزاقستان) اظهار داشتند که دریای خزر باید به عنوان دریا در نظر گرفته شود و طبق قوانین بین‌المللی دریایی تقسیم شود. این مواضع بیشتر از قراردادهای آذربایجان و قزاقستان با شرکت‌های انرژی بین‌المللی نشأت می‌گرفت (Terzioğlu, 2008).

در سال‌های اخیر، افزون‌طلبی اقتصادی بعضی از کشورهای حاشیه دریای خزر و قراردادهای نفتی و گازی یک‌طرفه آمریکا با دولت‌های منطقه، تبیین حقوقی مساله را از پیچیدگی بیشتری برخوردار ساخته است؛ چه این‌که مسائل حقوقی این دریا با مسائل سیاسی، بین‌المللی و جغرافیایی گره خورده است (کامران و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶).

^۱ از آنجایی‌که میزان سهم هر یک از دو کشور از دریای خزر تابع قواعد بازی با حاصل جمع صفر است، تعارض منافع دوطرف را به دنبال دارد.

اختلاف بر سر برخی میادین نفتی و گازی دریای خزر، روابط ایران و آذربایجان را هر از گاهی تیره و تار می‌کند.

۵-۲- انتقال انرژی

افزون بر جایگاه سیاسی و استراتژیک منطقه قفقاز، وجود ذخایر انرژی چون نفت و گاز باعث تلاش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور در منطقه شده است. قفقاز ۱۶ درصد نفت، ۳۱ درصد گاز طبیعی و ۶ درصد ذغال سنگ اتحاد جماهیر شوروی را تامین می‌کرد. قفقاز توانایی تولید بیش از ۳ میلیون تن فولاد و ۴ میلیون تن سیمن را نیز دارد. همچنین قفقاز مسیر ترانزیت انرژی دریای خزر به اروپا است که در کاهش وابستگی اروپا به روسیه بسیار موثر است. از این‌رو، شرکت‌های آمریکایی-اروپایی در طیفی از پروژه‌های نفت خزر حضور دارند (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰).

تعیین مسیر انتقال نفت آذربایجان به بازارهای جهانی، از مهم‌ترین مسائل ژئواکونومیک است که با دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، باعث ایجاد تنش در روابط ایران و آذربایجان شده است. انعقاد «قرارداد قرن» در سال ۱۹۹۴ و اخراج ایران از این قرارداد، نمونه‌ای از این دخالت‌ها است. در ابتدا با توجه به حمایت‌های گسترده سیاسی و نظامی ایران از آذربایجان مقرر شد تا ایران ۱۰٪ در این پروژه مشارکت کند، اما در ادامه به ۵٪ کاهش یافت و در نهایت، آذربایجان این سهم را به ترکیه واگذار کرد.

۵-۳- پان‌ترکیسم و اقدامات تجزیه طلبانه

پان‌آدریسم امروزی باکو دنباله‌ی رویای عثمانیان در اوایل سده دهم هجری است که تجزیه ایران را کلید تسلط بر سراسر مشرق اسلامی می‌دانستند. در یک تاریخ‌سازی جعلی، پیشینه کشور آذربایجان به زمان پیش از پیدایش ایران برگردانده شده و ادعا شده که در عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای، قسمت شمالی کشور آذربایجان به خاک روسیه منضم شد و قسمت جنوبی جز خاک ایران درآمد. پس از فروپاشی شوروی بخش شمالی آزاد شد، اما بخش جنوبی هم‌چنان دست ایران است.

رجوع به کتب درسی مدارس و دانشگاهی در زمینه تاریخ آذربایجان، جعل تاریخ به دست آن‌ها را آشکار می‌سازد؛ زیرا بدون ارجاع به منابع تاریخی، مطالبی غیرمستند در آن‌ها آورده شده است. این سیاست، نسلی مخالف ایران را در آذربایجان می‌پروراند. واقعیت این است که در خلال جنگ‌های ایران و روس در قرن ۱۹م، قلمرو ایران در بخش‌های شمالی رود ارس به دست روس‌ها سقوط کرد؛ یعنی مناطق مسیحی‌نشین گرجستان و ارمنستان در شمال و شمال غرب و بخش‌های مسلمان‌نشین و شرقی آذربایجان (که در روزگار کهن به آلبانیای قفقاز شهرت داشت و در دوران اسلام، آران نام گرفت و بعد از استقرار طوایف ترک و مغول در آن، به نام خان‌نشین‌هایی چون گنجه، شروان، قراباغ و ایروان شهرت یافت). ایالت آذربایجان با حدود ثغوری مشخص در قلمرو ایران برجای ماند (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰). سندی وجود ندارد که نشان دهد تا قبل از سال ۱۹۱۸م، که دولت مساوات در باکو بر سر کار آمد، شمال ارس، آذربایجان نامیده می‌شد، بلکه با نام آران و سیروان از دیرباز جز خاک ایران بود. در دوره سلطه شوروی بر آذربایجان، اندیشه وجود کشوری به نام آذربایجان که به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شده، به مردم این منطقه تزریق شد. پس از فروپاشی شوروی، با آگاهی از این موضوع که تعدد زبان و لهجه در ایران می‌تواند در جدایی مردم استان‌های آذربایجان از ایران موثر باشد، از عامل هم‌زبانی به‌عنوان ابزاری مهم در اجرای سیاست هویت‌سازی استفاده شد. دید منفی جوانان آذربایجان نسبت به ایران، موید موفقیت اجرای این سیاست است؛ تا جایی که آن‌ها خواستار آزادی بخش جنوبی کشور خود (از ایران) هستند (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰). ایده «آذربایجان واحد» مورد حمایت آمریکا، اسرائیل و ترکیه حمایت است و مناقشه قره‌باغ، موجب تشدید آن شد.

۵-۴- مناقشه قره‌باغ

همواره موضع ایران حل مسالمت‌آمیز بحران قره‌باغ از طریق مذاکره، حفظ تمامیت ارضی آذربایجان و میانجی‌گری در حل و فصل مناقشه بوده است.

در سال ۱۳۸۴، همکاری‌های ایران و آذربایجان در زمینه‌های مختلف از جمله طرح اتصال خطوط راه‌آهن ایران-آذربایجان-روسیه و در زمینه‌های انرژی، برق، سدسازی و امور گمرکی به‌طور چشم‌گیری ادامه داشت. اما رسانه‌های غرب‌گرای جمهوری آذربایجان و مقام‌های آن به دلیل روابط رو به رشد ایران و ارمنستان، مدعی حمایت ایران از ارمنستان شدند و خواستار موضع‌گیری قاطع ایران به نفع آذربایجان شدند. این مساله زمینه‌ساز تنش در روابط ایران و آذربایجان شد (شهیدی و کروچ، ۱۳۹۸).

با آغاز مجدد عملیات نظامی جمهوری آذربایجان برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، آتش این مناقشه دوباره برافروخته شد. حضور بازیگرانی نظیر ترکیه در این تحولات، موجب برهم خوردن تعادل منطقه‌ای و تضعیف نقش ایران شد که در نهایت، نیروهای نظامی آذربایجان توانستند قسمت جنوبی قره‌باغ را به تصرف خود در آورند. در این دوره، با واسطه‌گری روسیه، با امضای توافق‌نامه‌ای ۹ بندی بین آذربایجان و ارمنستان، آتش‌بس برقرار شد. در این توافق مقرر شد که ارمنستان باقی خاک قره‌باغ را بجز قره‌باغ کوهستانی به آذربایجان واگذار کند، همچنین «کریدور لاجین» برای اتصال قره‌باغ کوهستانی و ارمنستان در نظر گرفته شد که نیروهای حافظ صلح روسی حفظ امنیت آن را برعهده گرفتند. در بند ۹ توافق‌نامه، ارمنستان متعهد شد تا مسیر ارتباطی سرزمین اصلی آذربایجان و نخجوان را فراهم سازد. مفاد توافق آتش‌بس در زمینه «دالان لاجین» (بند ۵) و امکان تسهیل برقراری ارتباط حمل‌ونقل زمینی جمهوری آذربایجان با نخجوان از طریق گذر از خاک ارمنستان (بند ۹)، موجب بروز اختلاف بین دو طرف درگیر از یک‌سو و ترکیه و ایران از سوی دیگر شد. برداشت‌های منفعت‌طلبانه و یکسویه ترکیه از بند ۹ موافقت‌نامه (در معرفی کریدور زنگه‌زور از سوی آذربایجان و ترکیه) موجب تنش در روابط بین ایران و آذربایجان شد. زیرا بند ۹ توافق‌نامه آتش‌بس تصریحی بر عنوان «کریدور» ندارد و صرفاً بر «مسیرهای ارتباطی»

تاکید دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً با این ادعا که قطع مرز ایران و ارمنستان را در پی دارد مخالفت کرد (امیراحمدیان، ۱۴۰۳).

۵-۵- روابط آذربایجان با آمریکا

بعد از فروپاشی شوروی، آمریکا که خود را در عرصه جهانی بی‌رقیب می‌دید، خواهان ایفای نقشی موثر در کشورهای استقلال‌یافته از شوروی بود. در بین آن‌ها، آذربایجان به دلیل فقدان مبانی قدرت از جمله فقدان عمق استراتژیک، جمعیت کم و ضعف قدرت نظامی، مایل به نزدیکی به غرب و آمریکا است. در مقابل، ایران در مدار پیوستگی با منطقه و دوری از آمریکا حرکت می‌کند. از این‌رو، آذربایجان چالش‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی برای ایران ایجاد کرده است (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰). غرب‌گرایی سران جمهوری آذربایجان و طولانی بودن مرزهای زمینی و آبی این کشور با ایران باعث شد تا نهادهای نظامی و امنیتی برخی کشورها، مناطق مرزی آذربایجان را به مقرهای تهدید علیه امنیت ملی ایران تبدیل کنند (شهیدی و کروج، ۱۳۹۸).

روند فزاینده همکاری جمهوری آذربایجان با آمریکا، اسرائیل و ناتو، تهدیداتی برای ایران شامل محاصره فیزیکی، کاهش قدرت مانور در محیط پیرامونی، افزایش هزینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی به وجود آورد. زیرا سیاست آمریکا بر کاهش نفوذ روسیه و ایران در منطقه قفقاز متمرکز است. برخی حوزه‌های همکاری‌های آذربایجان و آمریکا که بر روابط ایران و آذربایجان سایه افکنده است، عبارتند از:

الف) همکاری‌های نظامی و تقویت حضور نیروهای ناتو: تشدید نظامی‌گری در محیط امنیتی ایران، باعث کاهش تأثیرگذاری ایران در منطقه می‌شود (کامران و همکاران، ۱۳۹۰). افزایش انتقال تجهیزات و تکنولوژی نظامی بین آذربایجان و آمریکا، یک تهدید عمده برای روابط آذربایجان و ایران به حساب می‌آید. خرید پهادهای

جاسوسی و تاکتیکی از جمله تجهیزات جاسوسی سیگنالی «سایجنت»^۱ و الکترونیک «النت»^۲ توسط آذربایجان از آمریکا و اسرائیل، مناسبات نظامی بین ایران و آذربایجان را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰).

ب) نصب رادار گرین پاین برای جاسوسی از ایران: رادار گرین پاین توانایی کشف و شناسایی موشک‌های بالستیک را در مسافت ۵۰۰ کیلومتر دارد. اگرچه باکو هدف از نصب این رادار را ارمنستان اعلام کرد، ولی از محل نصب این رادار در باکو تا غربی‌ترین مرز ارمنستان چند ده کیلومتر فاصله است. روزنامه سندی‌تایمز انگلیس نوشت که موشک‌های ایران پیش از شلیک شدن به سمت اسرائیل توسط رادارهای آمریکایی شناسایی و اطلاعات آن به اسرائیل مخابره می‌شود و اسرائیل از طریق پهپادهای مستقر در خاک آذربایجان، سکویهای پرتاب موشک‌های ایران را هدف قرار خواهد داد (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۳۷). این رادارها با شناسایی پایگاه‌های موشکی ایران، فرصتی ۱۳ دقیقه‌ای در اختیار پهپادهای اسرائیلی مستقر در آذربایجان قرار می‌دهند تا مانع پرتاب موشک‌های ایران شوند.^۳ اختصاص پایگاه‌های نظامی به اسرائیل^۴ جهت اقدام علیه امنیت ایران، از اقدامات دیگر آذربایجان است (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰).

ج) نصب دستگاه‌های کنترل و تشخیص تشعشعات اتمی در جوار مرز ایران: براساس توافق‌نامه میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمریکا و مرزبانی جمهوری آذربایجان، در نقاط مرزی صدرک، جافا، شاه‌تختی، شیخیلی دستگاه‌های کنترل و تشخیص تشعشعات اتمی نصب می‌شود که تصمیم به توسعه آن‌ها به مرزهای بیله‌سوار و آستارا دارند که این موضوع موجب نارضایتی ایران است (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۵۲).

^۱ SIGET

^۲ ELINT

^۳ البته وعده صادق ۲ در ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ نشان داد که این ادعاها واهی است و عملی نیست.

^۴ نظیر پایگاه سیتال کی (Sital Kay) در ۵۰ کیلومتری شمال باکو که توسط فارین پالیسی فاش شد.

۵-۶- روابط آذربایجان با رژیم صهیونیستی

اسرائیل تأثیر راهبردی-امنیتی متناسبی بر سه کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان دارد که در تعارض با امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین عواملی نظیر حمایت‌های آمریکا، همسویی منافع اسرائیل و ترکیه، بهره‌گیری اسرائیل از نفوذ ترکیه در بین کشورهای منطقه، اقتصاد ضعیف کشورهای منطقه، تلقی کشورهای منطقه از اسرائیل به عنوان دروازه‌ای به سوی غرب و آمریکا، در پیش‌برد اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی مؤثر بوده است (روبین، ۱۹۹۸: ۱۰).

آذربایجان که برای حفظ بقا و تمامیت ارضی خود به دنبال جلب حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و اسرائیل است (شهیدی و کروج، ۱۳۹۸)، با بهانه‌ی حضور اقلیتی از یهودیان در ساختار جمعیتی آذربایجان، بر حفظ و توسعه روابط علنی با اسرائیل تأکید دارد. از این‌رو، آذربایجان سومین خریدار تسلیحات از اسرائیل، پس از هند و کره جنوبی است که بیش‌تر شامل پهپاد، سامانه‌های پدافند موشکی، راداری و ماهواره‌ای می‌شود. هدف از خرید آن‌ها، کنترل فعالیت‌های نظامی حوزه خزر، مرزهای ایران و سرکوب‌های داخلی است نه منطقه جنگی قره‌باغ (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰).

برخی تعاملات آذربایجان و اسرائیل که موجب تنش در روابط با ایران است عبارتند از:

الف) همکاری‌های نظامی و حضور سرویس‌های امنیتی اسرائیل: ارتقاء جنگنده-های سوخو-۲۵ آذربایجان توسط صنایع «البت»^۱ رژیم صهیونیستی از جمله همکاری-های نظامی جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی است. این جنگنده‌های سبک که مأموریت پشتیبانی از نیروهای زمینی را به عهده دارند، بازمانده از دوران شوروی هستند که به وسیله سامانه‌های جنگ الکترونیک، کابین خلبان تمام دیجیتالی و سامانه دفاع در برابر موشک‌های حرارتی ارتقا داده شدند (محمدی و شفیعی، ۱۴۰۰).

^۱ Elbit

تأسیس پایگاه‌های رادار و سامانه‌های جاسوسی الکترونیکی در جوار مرزهای ایران، اقدام برای ایجاد پایگاه‌های عملیات هوایی علیه ایران در آذربایجان، آموزش مأموران نظامی-امنیتی آذربایجان توسط کارشناسان نظامی اسرائیل از دیگر همکاری‌های آذربایجان و اسرائیل است. این اقدامات به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه می‌انجامد و با توجه به تعارضات هویتی، ایدئولوژیکی و راهبردی ایران و اسرائیل، موجب واگرایی بین کشورهای منطقه و ایران می‌شود (کامران و همکاران، ۱۳۹۰).

ب) روابط اقتصادی: مزیت نسبی اسرائیل در کشاورزی موجب همکاری گسترده بین آذربایجان و اسرائیل شده است. همچنین همکاری در صنایع مخابرات، ارتباطات، امور زیربنایی و پایین دستی و نفت بین اسرائیل و آذربایجان گسترده است. رشد زمینه‌های همکاری اسرائیل با کشورهای منطقه، موجب تحدید و تضعیف بسترهای همکاری اقتصادی ایران و آذربایجان است (کامران و همکاران، ۱۳۹۰).

۵-۷- اختلاف بر سر گشایش کریدور زنگه‌زور

تقریباً یک سال بعد از آتش‌بس بین آذربایجان و ارمنستان، آذربایجان با توسل به بند ۹ توافق‌نامه، خواستار افتتاح کریدوری ادعایی در جنوب ارمنستان و استان سیونیک به نام «زنگه‌زور» شد. این کریدور از زمان جنگ دوم قره‌باغ تاکنون مورد تأکید آذربایجان و ترکیه بوده است. دولت کنونی آذربایجان، از سال ۲۰۲۰ پروژه‌های عمرانی گسترده شامل احداث سه فرودگاه بین‌المللی با طول باند بیش از ۳ هزار متر در شهرهای زنگیلان، لاپچین و فضولی، احداث حدود ۷۰۰ کیلومتر جاده برای اتصال مناطق مختلف قره‌باغ به یکدیگر و به مرز ارمنستان آغاز کرده است. گشایش این کریدور با مخالفت ارمنستان و ایران همراه است، زیرا قرار نیست تحت حاکمیت ارمنستان باشد. در این راستا، ایران هشدارهای لازم را درباره تغییر در مرزها و ژئوپلیتیک منطقه داده است.

چندی پیش رئیس‌جمهور ترکیه مدعی شد که اگر ارمنستان گشایش کریدور زنگه‌زور را نپذیرد، این کریدور از مسیر ایران ایجاد خواهد شد. اگرچه این ادعا در

ایران نیز طرفدارانی پیدا کرد، ولی ایجاد کریدور با مختصات مورد نظر ترکیه و آذربایجان از مسیر ایران قابل انجام نیست. اگر مسئله صرفاً مربوط به مسیرهای ارتباطی بود، ارمنستان و ایران با این مسئله مخالفتی نداشتند. ترکیه که در رابطه با مسیرها و کریدورهای ترانزیتی همواره سیاست حذف ایران را دنبال کرده است، تنها در صورتی به عبور مسیر از ایران رضایت می‌دهد که مسیرهای جایگزین وجود نداشته یا قابل اجرا نباشند، زیرا در سیاست ترکیه مشهود است که به مشارکت ایران رضایت ندارد. به عنوان مثال، در قبال بحران قره‌باغ، ترکیه پیشنهاد ابتکار ۲+۲ (ترکیه و آذربایجان، روسیه و ارمنستان) را مطرح کرد، در حالی که ایران پیشنهاد ۳+۳ را مطرح کرد که در آن تمام کشورهای حوزه قفقاز جنوبی را مشارکت می‌دهد (معصوم‌زاده، ۱۴۰۲).

در ادامه مواضع بازیگران منطقه و فرامنطقه در قبال گشایش کریدور زنگه‌زور

بررسی می‌شود:

الف) مواضع بازیگران منطقه‌ای

- جمهوری آذربایجان: در وهله نخست، نخجوان به جمهوری آذربایجان وصل می‌شود و مشکل ژئوپلیتیکی آذربایجان ناشی از دو تکه بودن سرزمینی حل می‌شود.
- ترکیه: گشایش کریدور مذکور، با منافع اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی برای ترکیه همراه است. امکان ترانزیت مستقیم بین آذربایجان و ترکیه فراهم می‌شود و به موجب آن، ترکیه به دریای خزر دسترسی پیدا می‌کند و ارتباط خود را با کشورهای آسیای مرکزی تعمیق می‌بخشد. جایگاه ترکیه در «کریدور میانی» نیز ارتقا می‌یابد. کریدور میانی یا مسیر ترانزیت بین‌المللی ترانس خزر (TITR)^۱، یک کریدور مواصلاتی ترکیبی برای اتصال چین و اروپا از طریق کشورهای قزاقستان،

^۱ Trans-Caspian International Transport Route

- قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکیه و با عبور از دریاهای خزر و سیاه (بدون گذر از ایران و روسیه) است (معصوم‌زاده، ۱۴۰۲).
- روسیه: در روند تحولات جنگ روسیه علیه اوکراین (در آغاز سال ۲۰۲۲)، کمبود نیرو، پیچیدگی اوضاع و افزایش وابستگی روسیه به ترکیه، موجب دور شدن روسیه از صحنه قفقاز جنوبی شد. در کنار فنلاند، اگر سوئد نیز به عضویت ناتو درآید، عملاً روسیه در دریای بالتیک دچار بحران می‌شود. از این‌رو، روسیه به دنبال نزدیکی با ترکیه با دادن برخی امتیازات به آنکارا است. از طرفی، واگرایی سیاست‌های پوتین با پاشینیان (رئیس‌جمهور وقت ارمنستان) باعث شد تا مواضع روسیه در مناقشه اخیر قره‌باغ، برخلاف منافع ارمنستان پیش رود. توجه به این نکته ضروری است که علت اصلی تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، تقابل با نفوذ ناتو در اوکراین بود. در نگاهی کلان، گشایش کریدور زنگه‌زور موجب تقویت حضور ناتو در منطقه قفقاز می‌شود که منافع روسیه را در بلندمدت تضعیف خواهد کرد.
- ایران: گشایش این کریدور پیامدهای گزافی برای ایران در پی دارد، از جمله:
۱. مرز ایران و ارمنستان قطع می‌شود و به تبع آن، نه تنها ارتباط ایران و ارمنستان تحت کنترل آذربایجان قرار می‌گیرد، بلکه ارتباط ایران با قفقاز و دریای سیاه نیز به گذر از آذربایجان و ترکیه منحصر می‌شود که به ضرر ایران است، زیرا بازیگری ترکیه در منطقه غرب آسیا نشان داده که منافع خود را در کاهش منافع ایران دنبال می‌کند.
 ۲. ترکیه را باید بازیگری دانست که علاوه بر پیگیری منافع خود، اهداف ناتو را پیش می‌برد. گسترش ناتو در منطقه، پس از روسیه بیش از همه ایران را تهدید می‌کند.

۳. از زمان فروپاشی شوروی، نزدیک به سه دهه است که ارتباط بین آذربایجان و نخجوان^۱ و تامین انرژی نخجوان از طریق خاک ایران است که یک مزیت نسبی برای ایران است. با یکپارچگی سرزمین آذربایجان، این مزیت از ایران سلب می‌شود.

۴. مسئله تجزیه‌طلبی و پان‌ترکیسم چالش دیگری است که خطر آن بیش از گذشته می‌شود، زیرا از نظر ایدئولوژیکی، اتصال آذربایجان و ترکیه موجب تقویت تفکر امپراطوی عثمانی در منطقه می‌شود و در تشدید تفکرات تجزیه‌طلبانه بر مردم منطقه به‌ویژه ایران، دامن می‌زند (معصوم‌زاده، ۱۴۰۲).

ب) مواضع بازیگران فرامنطقه‌ای

- اروپا: با آغاز عملیات ویژه‌ی نظامی روسیه در اوکراین، اروپا با دو چالش ترانزیت و تامین انرژی روبه‌رو شد. محدودیت‌های به‌وجود آمده برای کشورهای اروپایی، این کشورها را به یافتن جایگزینی برای روسیه در زمینه‌های ترانزیت کالا و تامین انرژی وا داشت. مسیر ترانزیتی شمالی (ابتکار یک پهنه-یک راه از چین به اروپا) با محدودیت عبور از روسیه روبه‌رو شد و مسیر ایران با مشکلاتی که اغلب ماهیت زیرساختی دارد، مواجه بود. از این‌رو، کریدور میانی به‌عنوان یکی از جایگزین‌ها مورد توجه اروپا قرار گرفت. بنابراین، هرگونه توسعه در کریدور میانی به نفع اروپا است و با ایجاد کریدور زنگه‌زور مخالفت نخواهد کرد (معصوم‌زاده، ۱۴۰۲).
- ایالات متحده آمریکا: مرز مشترک آذربایجان با ایران و روسیه، روابط نزدیک آذربایجان با ترکیه، مسئله ترانزیت انرژی اروپا و تضمین امنیت آن (به‌خصوص با شروع جنگ اوکراین)، اهمیت حضور در این منطقه را برای آمریکا بیش‌تر کرده است. حضور آمریکا در قالب ناتو، علاوه بر تهدید منافع روسیه و امکان ایجاد فشار بر آن، موقعیتی مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات (جاسوسی) و اقدام علیه

^۱ بین جمهوری خودمختار نخجوان و جمهوری آذربایجان توسط خاک ارمنستان جدایی وجود دارد.

ایران به وجود می‌آورد. پس از اتمام مسئله قره‌باغ کوهستانی توسط نیروهای باکو، اگر کریدور زنگه‌زور به واقعیت پیوندد، ارمنستان نیاز امنیتی به روسیه احساس نخواهد کرد و این امر، جدایی ارمنستان از روسیه را تشدید می‌کند؛ روندی که از زمان روی کار آمدن پاشینیان شروع شده است. آمریکا قصد دارد خلا حضور روسیه را با حضور خود در قالب ناتو پر کند (معصوم‌زاده، ۱۴۰۲).

- اسرائیل: اسرائیل در چارچوب استراتژی‌های خاورمیانه جدید و در راستای تشدید حضور خود در قفقاز، سیاست‌های خاصی نظیر حمایت از جوامع یهودی‌نشین منطقه، فرار از معضل امنیتی در خاورمیانه (قدیمی) و دسترسی به مرزهای ایران برای رویارویی با تهدید ایران را دنبال می‌کند که با پاسخ مثبت کشورهای منطقه به ویژه آذربایجان و گرجستان مواجه شده است. در این راستا، طی دو دهه اخیر در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی مناسبات کشورهای منطقه و اسرائیل افزایش یافته است؛ البته جمهوری آذربایجان از بیشترین مناسبات دوستانه با اسرائیل برخوردار است و ارمنستان کمترین میزان روابط را با آن دارد (کامران و همکاران، ۱۳۹۰). لذا اسرائیل که پیوسته به دنبال افزایش حضور خود از طریق کاهش نفوذ و حضور ایران در این منطقه است، از گشایش کریدور زنگه‌زور که بنا به موارد ذکر شده از قدرت ایران در منطقه می‌کاهد، استقبال خواهد کرد.

۶- سناریوهای روابط ایران و جمهوری آذربایجان

با توجه به مطالعه ادبیات تحقیق، شش سناریو در آینده روابط ایران و آذربایجان متصور است. در ادامه این سناریوها تبیین می‌شوند:

۱- گسترش همکاری‌های ایران و آذربایجان: با وجود تنش‌های مقطعی موجود، دو کشور می‌توانند براساس منافع اقتصادی مشترک در حوزه‌هایی نظیر انرژی، ترانزیت، امنیت مرزها و تبادل فرهنگی، روابطی پایدار و رو به رشد ایجاد کنند. همکاری در

قالب سازمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان همکاری شانگهای، سازمان همکاری اسلامی، سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و اوراسیا موجب تقویت این روند خواهد بود.

- **انگاره‌ها:** پیوندهای قوی تاریخی، فرهنگی، مذهبی، قومی، همگرایی اقتصادی، تقابل با محور غرب، بهره‌برداری مشترک از ظرفیت‌های انرژی و ترانزیت.
- **بازیگران:** ایران، آذربایجان، ترکیه، روسیه.
- **وضعیت:** فرصت راهبردی برای ثبات منطقه.

۲- **گشایش کریدور زنگه‌زور:** کریدور ادعایی آذربایجان موسوم به زنگه‌زور، جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ارمنستان به نخجوان و از طریق نخجوان به ترکیه متصل می‌کند. این اتفاق، می‌تواند تهدیدی بالقوه برای موقعیت ژئوپلیتیکی و نقش ترانزیتی ایران ایجاد کند. در صورت تحقق این سناریو، ایران با چالش کاهش نفت در معادلات حمل‌ونقل قفقاز و افت اثرگذاری در معادلات منطقه مواجه می‌شود.

- **انگاره‌ها:** تلاش ترکیه و آذربایجان برای اتصال ژئوپلیتیکی به نخجوان و آسیای مرکزی، تضعیف نفوذ ایران در قفقاز.
- **بازیگران:** آذربایجان، ترکیه، ارمنستان، ایران.
- **وضعیت:** تهدید ساختاری برای ایران.

۳- **حذف ایران از ترانزیت انرژی آذربایجان:** با تقویت زیرساخت‌های انتقال انرژی آذربایجان به اروپا، نظیر خطوط انتقال گاز و نفت از طریق ترکیه (TANAP, TAP) و کریدور جنوبی انرژی، احتمال حذف ایران از مسیرهای ترانزیتی جدید افزایش می‌یابد. این سناریو بر منافع اقتصادی و نفوذ استراتژیک ایران تاثیر مستقیم دارد.

- **انگاره‌ها:** سیاست تنوع مسیرهای صادرات انرژی توسط آذربایجان، وابستگی به اروپا و ترکیه، فشار غرب به ایران.
- **بازیگران:** آذربایجان، ترکیه، اتحادیه اروپا.

- وضعیت: تهدید اقتصادی و ژئوپلیتیکی.
- ۴- اقدامات تجزیه‌طلبانه آذربایجان در ایران: این سناریو به تحریک قوم‌گرایی در استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل توسط محافل سیاسی-رسانه‌ای نزدیک به جمهوری آذربایجان اشاره دارد. این روند می‌تواند از طریق گسترش رسانه‌های قوم-محور، برگزاری کنفرانس‌های هویتی و حمایت‌های غیرمستقیم از گروه‌های قومی در ایران، امنیت داخلی ایران را با چالش مواجه کند.
- **انگاره‌ها:** پان‌ترکیسم، تحركات رسانه‌ای و فرهنگی، تحریک اقلیت‌های قومی، نفوذ اسرائیل و ترکیه در سیاست‌های داخلی آذربایجان.
- **بازیگران:** آذربایجان، اسرائیل، ناتو، ایران.
- وضعیت: تهدید امنیتی حاد برای ایران.
- ۵- تشدید اختلاف در رژیم حقوقی دریای خزر: اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از سال ۱۹۹۱ تاکنون ادامه داشته است. در این سناریو، آذربایجان با حمایت قدرت‌های غربی و روسیه می‌تواند خواستار تفسیر جدید از سهم ایران در منابع دریای خزر شود که به بحران حقوقی و سیاسی میان دو کشور منجر خواهد شد.
- **انگاره‌ها:** تضاد منافع اقتصادی در بهره‌برداری از منابع انرژی، فشار قدرت‌های غربی، نیاز آذربایجان به صادرات مستقل نفت و گاز.
- **بازیگران:** ایران، آذربایجان، روسیه.
- وضعیت: تهدید ژئوپلیتیکی با احتمال درگیری حقوقی و سیاسی.
- ۶- تداوم اقدامات امنیتی آذربایجان علیه ایران: این سناریو با تمرکز بر همکاری‌های امنیتی-نظامی آذربایجان با اسرائیل، ناتو و ترکیه تفسیر می‌شود. احتمال استقرار تجهیزات شوند، پهبادهای شناسایی و ایجاد زیرساخت‌های نظامی در مجاورت مرزهای

ایران، تهدیدی برای امنیت ملی ایران است که می‌تواند تنش در روابط را به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش دهد.

- **انگاره‌ها:** استقرار پایگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل و ناتو در خاک جمهوری آذربایجان، استفاده از خاک آذربایجان برای عملیات خرابکارانه علیه ایران.
- **بازیگران:** آذربایجان، اسرائیل، آمریکا و ناتو.

- **وضعیت:** تهدید امنیتی با احتمال رویارویی مستقیم.

سناریوهای پیش روی روابط ایران و آذربایجان و مواضع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال آن‌ها، در جدول (۲) خلاصه شده است.

در ادامه می‌توان سناریوهای مطرح با روش شبکه جهانی کسب‌وکار (GBN)^۱ در قالب یک ماتریس خلاصه شده است. این روش که توسط شوارتز (۱۹۹۱) ارائه شده، به عنوان روش کلاسیک سناریونگاری شناخته می‌شود. ماتریس GBN از دو بعد یا قطب از عدم قطعیت‌ها تشکیل شده است. این دو بعد که دو محور یک دستگاه را تشکیل می‌دهند، چهار ناحیه را می‌سازند که براساس منطقی از آینده‌ای ممکن، چهار سناریو تولید می‌کنند. سپس این منطق‌ها (دلایل مستند) تفسیر می‌شوند و در قالب داستانی که سناریو نام می‌گیرد ظهور می‌کنند (حافظی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹). این روش، بر پایه تحلیل «عدم قطعیت‌های بحرانی^۲» و «عوامل قطعی^۳» سناریوها را می‌سازد.

^۱ Global Business Network

^۲ Critical Uncertainties

^۳ Predetermined Elements

جدول (۲) - سناریوهای آینده روابط ایران و آذربایجان، انگاره‌های بنیادین هر سناریو و

مواضع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

سناریوها	انگاره‌های کلیدی	بازیگران منطقه‌ای	بازیگران فرامنطقه‌ای	طرفداران
گسترش همکاری‌ها	منابع اقتصادی مشترک، موازنه در برابر غرب	ایران و آذربایجان از این بازی جمع غیرصفر سود می‌برند.	چون با سیاست تحریم ایران در تضاد است، دخالت‌های آمریکا و اسرائیل مانع است.	ایران، آذربایجان، روسیه، ترکیه
گشایش کریدور زنگه‌زور	تغییر موازنه ژئوپلیتیک، گسترش نفوذ ترکیه	برای ایران و ارمنستان کاملاً ضرر و موجب تضعیف روسیه است.	به دلیل تامین انرژی و ترانزیت اروپا، مورد حمایت آمریکا و اروپا	آذربایجان، ترکیه، اسرائیل، آمریکا، اروپا
حذف ایران از ترانزیت انرژی	غرب‌گرایی آذربایجان، تنوع مسیر صادرات انرژی	مورد حمایت ترکیه، برای ایران کاملاً ضرر است.	در راستای تحریم و تضعیف ایران، مورد حمایت آمریکا و اسرائیل	آذربایجان، ترکیه، اسرائیل، آمریکا
اقدامات تجزیه-طلبانه آذربایجان	پان‌ترکیسم، نفوذ فرهنگی-رسانه‌ای باکو	در تحقق رویای امپراطوری عثمانی، مورد حمایت ترکیه و آذربایجان	در راستای طرح خاورمیانه جدید، مورد حمایت اسرائیل و آمریکا	آذربایجان، ترکیه، اسرائیل، آمریکا و ناتو، اروپا
تشدید اختلاف در رژیم خزر	تضاد منافع در منابع انرژی دریایی	به ضرر ایران و آذربایجان و کشورهای ساحلی دریای خزر است.	در راستای حمایت آمریکا و اسرائیل است.	اسرائیل، آمریکا، روسیه
اقدامات امنیتی آذربایجان علیه ایران	حضور اطلاعاتی-نظامی دشمنان ایران در مرزها	مورد حمایت آذربایجان و ترکیه است.	آمریکا و اسرائیل، بازیگران اصلی این سناریو	آذربایجان، ترکیه، اسرائیل، آمریکا و ناتو

شکل (۱)، سناریوهای مطرح در روابط ایران و آذربایجان را در قالب ماتریس GBN ترسیم می‌کند (برای درک مکان سناریوهای مطرح در این ماتریس، جدول ۳ را ببینید). این ماتریس دو محور اصلی دارد که هر محور یک ناپایداری کلیدی را نشان می‌دهد؛

ناپایداری کلیدی اول: سطح همکاری ایران و آذربایجان

- پایین = تخصیص و واگرایی
- بالا = همکاری و هم‌افزایی

ناپایداری کلیدی دوم: میزان مداخله بازیگران خارجی (ترکیه، اسرائیل، آمریکا)

- پایین = مداخله حداقلی
- بالا = مداخله فعال و گسترده



شکل (۱) - ماتریس GBN سناریوهای ایران و آذربایجان

جدول (۳) - جایگاه سناریوهای مطرح در مقاله در ماتریس GBN

سناریو مطرح	جایگاه در ماتریس GBN
گسترش همکاری ایران و آذربایجان	سناریو ۱ یا ۲: بسته به سطح مداخله خارجی.
گشایش کریدور زنگه‌زور	سناریو ۲ یا ۳: بسته به سطح همکاری یا مداخله.
حذف ایران از ترانزیت انرژی	سناریو ۳: تقابل نیابتی
اقدامات تجزیه طلبانه آذربایجان	سناریو ۳: تقابل نیابتی
تشدید اختلاف در رژیم دریای خزر	سناریو ۴: سردی استراتژیک
اقدامات امنیتی علیه ایران	سناریو ۳: تقابل نیابتی

۷- نتیجه‌گیری

ایران و آذربایجان، ظرفیت‌های مناسبی برای تعامل همه‌جانبه با هم دارند. به‌رغم وجود برخی فرصت‌های همکاری از جمله داشتن مرزهای طولانی آبی و خاکی مشترک، احداث کریدورها و سدهای مشترک، فرهنگ و تاریخ مشترک و هم‌گرایی قومی و مذهبی، عوامل چالش‌زا نظیر اختلاف در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، اندیشه ایجاد آذربایجان واحد، اختلاف ایدئولوژی، مداخله اسرائیل و آمریکا در سیاست آذربایجان، حذف ایران از مسیرهای انتقال انرژی آذربایجان، اتهامات جاسوسی ایران و آذربایجان علیه یکدیگر، همکاری آذربایجان با ناتو، بحران قره‌باغ و متهم کردن ایران به جانب‌داری از ارمنستان، موجب شده که حجم تعاملات دو کشور در سطح پایین باشد. برخلاف تشابه نظام اقتصادی ایران و آذربایجان (مبتنی بر نفت)، اختلافات دو کشور به تفاوت در نظام‌های سیاسی و نیز رقابت آن‌ها در چارچوب دسته‌بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر می‌گردد. صادرات جمهوری اسلامی ایران به آذربایجان در سال ۲۰۲۰ برابر ۴۶۲ میلیون دلار (کمتر از یک درصد صادرات ایران) و واردات ایران از جمهوری آذربایجان ۳۷ میلیون دلار (کمتر از یک درصد) بوده است (امیراحمدیان، ۱۴۰۳).

برخی عناصر که به‌طور بالقوه فرصت‌ساز هستند، به‌طور بالفعل کارکردی معکوس در روابط دو کشور پیدا کرده‌اند. برای مثال، عامل نزدیکی جغرافیا که می‌تواند مسیر توسعه روابط را تسهیل کند، به منبعی برای مداخله آمریکا و اسرائیل تبدیل شده یا عامل هم‌گرایی قومیت و هم‌زبانی، به تهدیدی برای تقویت پان‌ترکیسم و تجزیه‌طلبی در ایران تبدیل شده است. در مقابل، برخی از عوامل که تابع قواعد بازی جمع‌صفر هستند و ماهیت آن‌ها به آسانی تغییر نمی‌کند (مانند اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی خزر که تعارض منافع دو کشور را در پی دارد)، به‌طور بالقوه مانع توسعه روابط هستند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که روابط ایران و آذربایجان، در آینده نزدیک تحت تاثیر تحولات ژئوپلیتیک منطقه (بعد از جنگ دوم قره‌باغ) و تحرکات راهبردی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد. سیاست ایران پای‌بندی به حسن هم‌جواری و تعامل حداکثری در برقراری روابط حسنه با همسایگان است. اتخاذ راهبرد صحیح در خصوص آذربایجان، مستلزم شناخت مواضع بازیگران منطقه نسبت به عوامل فرصت‌زا و چالش‌زا در روابط دو کشور است. در بین بازیگران موجود، منافع آمریکا، اسرائیل، ترکیه و اروپا در تقابل با ایران است. در مقابل، دیدگاه‌های روسیه و ارمنستان به ایران نزدیک‌تر است. با این وجود، محدودیت‌هایی که روسیه با آن دست به گریبان است و بازیگری اشتباه دولت پاشینیان در ارمنستان، ایران را به بازیگری تبدیل کرده که خود به تنهایی باید منافع خود را منطقه قفقاز جنوبی پیش ببرد. اگر ایران با ابتکار عمل خود، کنشی نداشته باشد، هیچ‌یک از بازیگران دیگر، انگیزه یا توان دادن امتیاز به ایران را ندارند. احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و جلوگیری از ورود جریان‌های مخالف در روابط دو کشور، عدم تک‌صدایی در سیاست خارجی دو کشور و خنثی کردن جریان‌های مخرب، می‌تواند در شکوفایی فرصت‌های پیش‌رو در مناسبات دو کشور سودمند باشد. همچنین تقویت دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی با آذربایجان، توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی جایگزین و مقاوم در برابر فشارهای

ژئوپلیتیکی، افزایش تعاملات امنیتی و اطلاعاتی در سطح منطقه‌ای، مقابله هوشمندانه با جنگ شناختی و تحرکات قوم‌گرایانه از طریق رسانه و دیپلماسی عمومی، تقویت جایگاه حقوقی ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به دریای خزر می‌تواند پیامدهای سناریوهای پرمخاطره برای ایران را بکاهد.

منابع و یادداشت‌ها

الف. منابع فارسی

۱. احمدی، حسین (۱۳۹۳). *جمهوری آذربایجان ۲۳ سال تکاپو برای دولت-ملت‌سازی*، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۶۷). *جغرافیای قفقاز*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. امیراحمدیان، بهرام (۱۴۰۳). *توسعه همکاری‌های ایران و آذربایجان*، در سایه برداشت‌های منفعت‌طلبانه و یکسویه ترکیه، *دیپلماسی ایران*، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2026348>
۴. تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۱). *بررسی روش‌های گردآوری و تحلیل‌ها در مطالعات آینده‌پژوهی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. حافظی، رضا و اسمعیل‌زاده، حمید (۱۳۹۳). *راهنمای سناریونگاری (بخش اول)*. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۶. حسینی، رضا، جعفری‌زاد، علیرضا و توحیدیان، علی (۱۴۰۱). *شناسایی پیشران‌های موثر در آینده روابط امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد آینده‌پژوهی*، *نشریه علمی آینده‌پژوهی / انقلاب اسلامی*، سال ۳، شماره ۲، ۶۵-۹۳.
۷. حسین‌پور، زهرا (۱۳۹۹). *واکاوی عوامل تاثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها)*، *فصلنامه مطالعات منافع ملی*، سال ۶، شماره ۲۲، ۹۱-۱۱۲.
۸. پوراحمدی، میبدی، حسین و پدین، محمد (۱۳۹۷). *عوامل تاثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶*، *فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱۱۵-۱۴۶.
۹. خسروی، ملک‌تاج و خسبانی یزدانی، احسان (۱۳۹۸). *آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن* (۲۰۲۰-۲۰۱۰)، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال ۱۲، شماره ۴۶، ۸۷-۱۲۱.

۱۰. عباسی، مجید و موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۲). روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۶، شماره ۲، ۸۰-۶۱.
۱۱. عباسی، مجید، نورمحمدی، مرتضی و موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۱). تاثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر روابط با جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۱۲، ۱۱۷-۸۳.
۱۲. کارگر، رحیم (۱۳۹۴). *آینده پژوهی از دیدگاه قرآنی*، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. کامران، حسن، متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰). حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با کاربرد نظریه بازی‌ها)، *فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، سال ۹، شماره ۲۸، ۸۰-۵۹.
۱۴. کامران، حسن، حسن‌نامی، کامران، جعفری، فرهاد (۱۳۸۸). رژیم حقوقی و تحدید حدود دریایی خزر، *جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)*، سال ۷، شماره ۲۰ و ۲۱، ۴۶-۲۵.
۱۵. کولایی، الهه و اصولی، قاسم (۱۳۹۱). چگونگی تغییر روابط امنیتی‌شده ایران و جمهوری آذربایجان، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۵، شماره ۱۱، ۹۴-۷۵.
۱۶. محمدی، سعید و شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۴۰۰). تاثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷م، *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال ۴، شماره ۲، ۱۰۶-۷۹.
۱۷. معصوم‌زاده، محمدحسین (۱۴۰۲). *قصه زنگه‌زور، منافع و اهداف کشورهای ذی‌ربط، دیپلماسی ایرانی*، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2022384>
۱۸. موسوی، سیدمحمد، موسوی، سیدمحمدرضا و نصیری، سوناز (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان، *همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا؛ مسائل، تحولات و چشم‌انداز*.
۱۹. موسوی شهیدی، سید مهدی و احمدی کروج، سید عباس (۱۳۹۸). زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائه مدل پیشنهادی، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۱۱، شماره ۴۲، ۱۰۲-۶۹.

ب. منابع انگلیسی

20. Fahey, L., and Randall, R. M. (1997). *Learning from the future: Competitive foresight scenarios*, John Wiley & Sons.
21. Gale, D., & Stewart, F. M. (1953). Infinite games with perfect information. *Contributions to the Theory of Games*, 2(245), 2-16.
22. Imanzade, Anar (2022). *Iranian soft power in Azerbaijan and the second Karabakh war*, Thesis in M.A., BOĞAZİÇİ University.
23. Rubin, B. (1998). *Notes on Turkey-Israel Relations*, Foreign Affairs.
24. Schwartz, P. (1991) *The art of the long view: Planning for the future in an uncertain world*, Doubleday Currency.
25. Terzioğlu, S. (2008). Hazarın statüsü hakkında kıyıdaş devletletin hukusal görüşleri [Legal opinions of the riparian states on the status of the Caspian]. *Orta Asya ve Kafkasya Araştırmaları Dergisi*, 3(5), 26-47.
26. Wellman, M. P. (2004). Notes on equilibria in symmetric games. *International Joint Conference on Autonomous Agent & Multi Agent Systems*, NY.

The future of relations between Iran and Azerbaijan (after the second Karabakh war) with emphasis on the role of regional and extra-regional players

Abstract

Relations between Iran and Azerbaijan have changes during the past three decades under the influence of various factors such as war, revolution and changes in the balance of power. Areas such as religious, cultural and historical commonalities, long water and land borders have provided the platforms for the convergence of the two countries. On the other hand, relations with US and Israel, pan-Turkism, the Karabakh crisis, the removal of Iran from the route of transferring Azerbaijani oil and provocative actions against Iran's national security have caused tension in the relations between the two countries. The purpose is to analyze the future of relations between Iran and Azerbaijan, emphasizing the role of regional and extra-regional players after the Second Karabakh War. For this purpose, the scenario writing method based on key uncertainties (Schwartz model, 1991) was used, which is included in the fields of futures studies. Possible scenarios about the future of Iran-Azerbaijan relations include: the expansion of Iran-Azerbaijan relations, the opening of the Zange Zor Corridor, the removal of Iran from Azerbaijan's energy transit, the fueling of Azerbaijan's separatist actions in Iran's border provinces, the intensification of the dispute over the legal regime of the Caspian Sea, and security-espionage measures of Azerbaijan against Iran.

Keywords: Region players, pan-Turkism, the second Karabakh war, scenario writing.